

آينه ايران

سرمقاله: «اوپاما و مدیریت لابی‌های ضد ایرانی»

پیروز مجتهدزاده
باید توجه داشت که رهبران آمریکا به‌خصوص رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه این کشور ناچارند در شرایطی که گروه‌های فشار در فضای سیاسی این کشور از همه توان خود برای به بن‌بست کشاندن مذاکرات هسته‌ای استفاده می‌کنند، برای راضی کردن و دلخوش‌ساختن مقامات اسرائیل و لابی‌های یهود اظهاراتی را بر زبان آورند تا جلوی حملات و تندروی‌های این جریان‌ها را بگیرد. ولی در واکنش به این فضا شاهدهیم که در ایران برخی گروه‌ها به دلیل عدم آشنایی با موازنه شکننده سیاسی در آمریکا در سطوح تصمیم‌گیری این کشور، این حرف‌ها را جدی گرفته و دست به اقداماتی می‌زنند که در وضعیت موجود نه‌تنها به سود ما نخواهد بود بلکه می‌تواند از کارشکنی‌های لابی یهود بیشتر باشد.

اعتراض

یادداشت: «راهکار بدیل افراطیون چیست؟»

جلال خوش‌چهره
مخالفان یا منتقدان مذاکرات هسته‌ای در حالی مذاکره‌کنندگان را شامت می‌کنند که هیچ بدیل روشنی را در قبال آن ارائه نمی‌دهند. به‌سرخه‌گرفتن قواعدی که - خوب یا بد - در چارچوب روابط بین‌الملل به‌رسمیت شناخته شده‌است و بی‌پروایی در نظام‌ها به‌مارجوبی‌هایی که هیچ پیلاد معجزه‌آسایی را برای کشور به همراه نداشت، وضعی را پدید آورد که اکنون ملأکره‌کنندگان ایرانی برای اصلاح آن باید سخت‌ترین چالزنی را به عمل آورند. بدتر آنکه رویکرد افراطی در دیپلماسی بدون هرگونه تدبیر در داخل انجام شد. بروز فسادهای اقتصادی، فلج‌شدن سیستم بروکراسی و فقدان برنامه برای اداره کشور تنها سرخوردگی مردم را از سیاست‌هایی پدید آورد که حتی متحان سابق افراطیون هم از این رفتار ناامید شدند. سوال این است که راجحل بدیل منتقدان کدام است و بر چه منابع مستحکمی استوار خواهد بود؟ خوب است منتقدان به روشنی و فراغ از شعار گویی و فرافکنی‌های معمول به آن پاسخ دهند.

کیمان

سرمقاله: «نقشه‌راه جنگ نیابتی دشمن»؛ محمدایمانی
نوع مسئولان ما در دستگاه‌های مختلف- و از جمله دولتمردان- نمی‌توانند در قبال نقد و انتقاد، نازک نارنجی باشند و گارد بگیرند. آنچه به حق‌پابرداری و نشنیدن نقدها، ایجاد مخرب‌تری می‌بخشد، قرار گرفتن در موضع انهم‌وایجاد بی‌اعتمادی نزد مردم متدین و نهادهای حاکمیتی است. «متفقین» در اینجا نیز تأثیرات مهمی دارند.اکنون به وضوح می‌توان دید که برخی تحركات سازمان یافته در وزارت علوم و وزارت ارشاد برای احیای پایگاه‌های فعالیت جریان‌های معاند با اصل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در حال انجام است و از دیگر سو وزارت کشور و اطلاعات تحق‌فرمانند تا بدببانی و نظارت قانونی خود را تعطیل کنند. آنچه در حوزه برخی فعالیت‌های رسانه‌ای، هنری، سینمایی، حزبی، شبه صنفی و دانشگاه‌ها در حال انجام است- که نمونه آن در هتاک‌و روزنامه بهار و آسمان مشاهده شد- طبیعتاً موجب ایجاد بی‌اعتمادی و بدگمانی به دولت می‌شود و حاشیه‌ها و سیاست‌بازی‌ها را به جای خمت‌گرزاری مردم و پیگیری آرمان‌های اصلی انقلاب غالب می‌کند. س‌زارا است دولت و رئیس‌جمهور، محترم برای مصون‌ماندن از آیین آسیب بزرگ، نگاهی نو به دو قطبی گمراه‌کننده موقاق- مخالف (منتقد) داشته باشند. دولت محترم، خط مقدم دفاع از نظام و انقلاب است و این خط مقدم باید از نفوذ و آسیب مصون بماند.

نقد

یادداشت: «اصرار برای خالی‌نشان‌دادن جایی که پر شده است»؛ هادی عسگری

درمان خبرهای گرانی آب، برق، بنزین و دیگر مایحتاج مردم که جدیدترین ارعمان دولت در شنب عید به شمار می‌رود، خبرهای ضد و نقیض درباره بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و مانورهای خبری روی آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت و تلاش برای مهم جلودان بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، کاملاً به چشم می‌آید.بازگشایی انجمنی که سال‌هاست بنا به دلایل قانونی بسته شده است و در طول همه این سال‌ها هیچ‌گاه روزنامه‌نگاران ایرانی خالی‌نبودن این انجمن را حس نکرده‌اند. همان طور که در زمان حیات آن نیز بسیاری از خبرنگارها و روزنامه‌نگارها بدون عضویت در انجمن به فعالیت می‌پرداختند.هم اکنون نهادهای جایگزینی برای ساماندهی امور صنفی روزنامه‌نگاران فعال هستند و بسیاری از همکاران رسانه‌ای به عضویت آنها‌در آمده‌اند.نمی‌توان گفت بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران جای خالی را پر می‌کند پس لازم است که آن انجمن را دوباره احیا کنیم.

وضع‌اندرود

تیتیر یک: «ناگهان آب‌گران شد»

برق‌گران شده بود، آب‌گران شد و گاز گران می‌شود. اسفندماه‌بهترین زمان برای‌گران کردن:اسفند. روزهای پایانی سال مردم درگیر رتق و فتق امور ایام آخر سال و خریدهای عیدنوروز هستند و خبرهای افزایش قیمت خریدار کمتری دارد. روز گذشته وقتی خبر گران‌شدن ۲۰درصدی آب منتشر شد هیچکس تعجب نکرد چرا که چند روز پیش هم برق ۱۵درصد گران شده بود و مدیرعامل شرکت گاز هم از این فرصت استفاده کرد و نوید افزایش قیمت گاز را دادا ... اسفند برای‌گران‌کردن بهترین فرصت است و دومینوی گرانی‌ها از همین آخرین ماه سال ۱۳۹۲ آغاز شده‌است. قطعاًدولتمردان قصد دارند باافزایش این گرانی‌هائبرنامه‌های رفاهی و معیشتی را در آینده اجرا کنند اما امیدواریم سریال گرانی‌ها موجب نشود تجربه شوک‌های قیمتی به بازار و تولید که مردم را تحت فشار قرار داد، تکرار شود.

سیاست

روایت موسوی بجنوردی از دادگاه‌های اول انقلاب

شرق: «آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی» از شاگردان برجسته امام خمینی(ره) و عضو شورایعالی قضایی در دوره حیات ایشان، با پایگاه اطلاع‌رسانی «جماران» درباره دستگاه قضایی و زندان‌های دهه ۶۰، گفت‌وگو کرده است.

در این گفت‌وگو مسایلی چون «مخالفت امام با حکم اعدام برای مفسدفی‌الارض و شاه»، «شرایط زندان‌های کشور»، «موضوع سلول‌های انفرادی»، استغفای «لاجوردی»، نظر امام درباره «اعدام‌های سال‌های اول انقلاب» و «برگزاری مراسم برای علی شریعتی» مطرح شده‌است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

ک **در صفحه ۳۷۸ بیست‌ویکمین جلد صحیفه امام خمینی، نامه‌ای از امام خمینی خطاب به هیات عفو زندانیان نوشته شده است که در آن از تلاش‌ها و زحمتهای این هیات تشکر می‌کنند.**

هیات عفو یک‌بار ۴۰۰ نفر را آزاد کرد. یکی از مسئولان به امام گفته بود، هیات عفو، زندانیان را آزاد می‌کند و زندانیان هم به مسعود رجوی ملحق می‌شوند. این شد که ما، درخواست ملاقات با امام با حضور خود آن شخص را دادیم. خدمت امام عرض کردیم، به ایشان بفرمایید چهار نفر از این ۴۰۰ نفر را اسم بیاورد که به آقای رجوی ملحق شده‌اند. آن شخص گفت، یک نفر به خارج از کشور رفته است. امام گفتند، اگر چهار نفر هم به آقای رجوی ملحق شده باشند ما نباید به خاطر آن چهار نفر، ۴۰۰ نفر را در زندان نگه داریم.

ک **اعضای هیات عفو منصوب چه کسی بودند؟**
امام تعیین کردند و ما هم مرتباً افرادی را برای بررسی به شهرستان‌ها می‌فرستادیم تا به مناسبت‌هایی نظیر اعیاد یا ۲۲ بهمن، افراد را آزاد می‌کردیم و در واقع این صلاحیت به ما داده شده بود. وقتی که اسام، عفو را به آقای منتظری احواله کردند، آقای منتظری هم خطاب به هیات عفو گفتند، شما خودتان عفو کنید.

ک **هیچ‌گاه میان هیسات عفو و آقای منتظری یا میان شورایعالی قضایی و ایشان، اختلافی وجود داشت؛ موردی بود که ایشان از شما تقاضا داشته باشند و شما عمل نکنید؟**

اصلاً
ک **آیا موردی بود که آقای منتظری تأکید بر عفو شخصی داشته باشند؟**
بله، معمولاً هم به من می‌گفت.
ک **در جلد ۲۰ صحیفه امام، صفحه ۳۹۷ آیت‌الله موسوی‌اردبیلی در سال ۶۶ استفتایی از امام خمینی می‌کنند: مبتنی بر اینکه با توجه به اینکه نظر فقهی امام خمینی اعدام شخص مقصد نیست؛ شورایعالی قضایی اجازه عمل بر اساس نظر آیت‌الله منتظری را داشته باشد که اعدام مفسدفی‌الارض را جایز می‌دانند، در آن دوران شما رئیس دادگاه عالی و عضو شورایعالی قضایی بودید؛ از ایسن منظر بر احکام اعدام در زمان حیات امام خمینی نظارت داشتید؛ در دادگاه عالی، بر اساس کدام رای فقهی عمل می‌کردید؟ آقای منتظری یا امام خمینی؟**

نظر ایشان در این بود که عنوان مفسدفی‌الارض به‌خودی‌خود، عنوان مجرمانه‌ای که مستحق اعدام باشد نیست... من شخصاً از ایشان برای دادگاه عالی قضات استفتاء کردم که آیا قاچاقچیان موادمخدر مستحق اعدام هستند یا خیر؟ که ایشان فرمودند: «چنانچه حمل اسلحه، شرارت و فساد کنند». یعنی ایشان، نفس مفسد را به تنهایی به‌عنوان یک جرم مستقل آیا مجازات اعدام آ قبول نداشتند.

ک **خاطر‌های از امام به‌خاطر دارید که با ایشان در مورد یک مصداق مشخص مفسدفی‌الارض صحبت کرده باشید؟**

ادر زمان حضور حضرت امام در نوفل لوشاتو[من شب‌ها در پارسی می‌وایمید. آنجا روزنامه‌ای عربی با عنوان «السفر» به چاپ می‌رسید. یک روز دیدم مصاحبه‌ای با امام انجام داده و این پرسش را مطرح کرده بود که در صورت پیروزی، شما با شاه چه می‌کنید؟ امام در پاسخ فرموده بودند که اقل عقوبتش حبس ابد است.

من همیشه صبح‌ها بعد از نماز از پارسی می‌رفتم نوفل‌لوشاتو خدمت امام. بعد از خواندن آن روزنامه، همان اول صبح رفتم خدمت امام. ایشان پرسیدند، خبری شده؟ من هم گفتم، بله. در روزنامه امروز صبح خواندم که شما اقل عقوبت

سیاست



حسن‌جماران

توان پرداخت پیدا کند. از مسلمات اسلام است که زندانی کردن شخصی به‌خاطر نداری و بدهی که توان پرداخت آن را ندارد، جایز نیست. همه فقها و از جمله امام در مورد این مساله فتوا داده‌اند.

یعنی در زمان تصدی شما زندان انفرادی نداشتیم؟
یک بار بی‌خبر به اوین سر زدم و چند تایی سلول انفرادی دیدم که بعد از اعتراض من سلول‌های انفرادی را جمع کردند. بعد از آن هم موضوع را با امام در میان گذاشتم که ایشان هم فرمودند، کار خوبی‌کردی. توجه داشته باشید که اگر نظام ما اسلامی نبود، هر کاری می‌توانستیم انجام دهیم اما چون ما مقید به اسلام هستیم باید به مَرّ اسلام عمل کنیم.

در اسلام از زندان برای اصلاح و تادیب متهم و مجرم استفاده می‌شود. تحت هیچ شرایطی نباید زندان مصداق شکنجه تلقی شود، از آن رو که شکنجه در اسلام، حرام است. ما باید پایبند این مهم باشیم. مردم نیز باید مقید به اسلام باشند و البته بیش از مردم نیز حاکمیت و نظام باید به مَرّ اسلام عمل کند.

ک **در مراجعاتی که نمایندگان شما به زندان‌ها داشتند، خبر از شکنجه نمی‌دانند؟**
خیر. کسی گزارش شکنجه به ما نداد. فقط آقای مجید انصاری که نماینده ما بود گفت، مسوول زندان رجایی‌شهر، چشمان ۲۰۰ نفر را می‌بندد تا ساعت‌ها فکر کنند. ما مسوول زندان را خواستیم و سریعاً عزلش کردیم.

ک **شما خودتان به زندان اوین سرزده‌نمی‌رفتید؟**
من یک‌بار دیگر هم بی‌خبر رفتم و دیدم که محکومیت ۲۰۰ نفر تمام شده و اینها را نگه داشته‌اند. به ایشان گفتم که اگر این ۲۰۰ نفر را تا فردا آزاد نکنید، دستور می‌دهم تا دستگیرتان کنند. آقای موسوی‌اردبیلی به من گفتند این‌چه برخورد تندی است که با ایشان می‌کنید؟ من هم گفتم معنا ندارد افرادی که محکومیت‌شان به پایان رسیده است را در زندان نگه داریم. انجام نداد؛ عزلش می‌کنیم. این شد که آنان را آزاد کردند. بعد از آن هم آقای لاجوردی ماندند تا اینکه به این نتیجه رسیدیم که ایشان باید بروند.

ک **چرا شورایعالی قضایی، زودتر ایشان را عزل نکرد؟**
ببینید شما الان با خیال آسوده در اینجا نشستید و نمی‌توانید آن روزها را به‌خوبی درک کنید. آن زمان منافقین افراد را مثل برگ خزان ترور می‌کردند.

بعضا ترور کور انجام می‌دادند؛ یعنی، نه شخص خاص بلکه کافیی بود طرف حزب‌اللهی باشد تا ترورش کنند. مردم عادی را ترور می‌کردند. کاسبی که ریش داشت و عکس امام را پشت شیشه مغازاش نصب کرده بود را ترور می‌کردند. در مراکز

ک **چرا شورایعالی قضایی، زودتر ایشان را عزل نکرد؟**
ببینید شما الان با خیال آسوده در اینجا نشستید و نمی‌توانید آن روزها را به‌خوبی درک کنید. آن زمان منافقین افراد را مثل برگ خزان ترور می‌کردند.

بعضا ترور کور انجام می‌دادند؛ یعنی، نه شخص خاص بلکه کافیی بود طرف حزب‌اللهی باشد تا ترورش کنند. مردم عادی را ترور می‌کردند. کاسبی که ریش داشت و عکس امام را پشت شیشه مغازاش نصب کرده بود را ترور می‌کردند. در مراکز

مسایل مالی صورت‌گرفته را شرح داد، برخی‌نماها نباید از یاد برود، پرده رمز و راز پرونده فساد مالی بابک زنجانی باید کنار رفته و اسامی آن شبکه مفایایی باید به اطلاع مردم رسانده شود، لازم است تا تک‌تک پرونده‌های فساد مالی در تأمین‌اجتماعی و خط و ربط مردان نزدیک به احمدی‌نژاد در برخی حاتم‌بخشی‌ها به خوبی رصد شود، غافل نشویم از اینکه هنوز نتایج تحقیق و تفحص از بنیاد شهید در دوران مدیریت «مسعود زربیافان» به جایی نرسیده و انبوه پرونده‌های مالی دیگر در انتظار رسیدگی دستگاه‌های قضایی است. سعید مرتضوی، محمدرضا رحیمی و خلیلی‌های دیگر نباید از یاد و خاطر مردمان این سرزمین بروی. شبکه‌سازی‌های این طیف سیاسی باید با تمام توان از سوی دستگاه‌های نظارتی، اطلاعاتی و رسانه‌ای رصد شود، در یک کلام اینکه آنهایی که در بزنگاهی از تاریخ سیاسی ما روی شکاف‌ها نشستند بدون شک دوباره می‌توانند این شکاف‌ها را شناسایی کرده و موج‌سواری کنند. جلوگیری از تکرار خطا وظیفه ملی هر مسوول و شهروند ایرانی است.

ادامه از صفحه اول

تأثیر جهانی مکتب مصدق

او گفت که ما در سسنگر جنگ و مبارزه، از مصدق الهام گرفته و بر دشمن پیروز شدیم. همان‌گونه که جمال عبدالناصر نیز اعلام کرد، از تأثیر حرکت مصدق در ملی‌کردن صنعت نفت ایران درس آموخته است. ملی کردن کانال سوئز و مبارزه با انگلیسی‌ها، همسو و در ادامه نهضت ملی‌کردن نفت توسط ایرانیان شکل گرفت.

سیاست موازنه منفی مصدق که بر استقلال و آزادی از دو قدرت انگلیس و شوروی پای می‌فشرد، الگویی برای کشورهای عضو جنبش عدم تعهد شد. مارشال تیتو، شکل‌گیری گروه کشورهای موسوم به کشورهای غیرمتعهد را برگرفته از تز دکتر محمد مصدق دانسته است. مبارزه مدنی، قانونی، مسالمت‌جویانه، صلح‌آمیز و مبتنی بر شیوه‌های دموکراتیک و مردمی توسط مصدق و ایستادگی و مقاومت در راه آزادی و استقلال کشور بود که از مصدق الگویی برای فعالان سیاسی در داخل و خارج کشور به وجود آورد است. الگویی برای ایرانیان، الگویی از وطن‌دوستی و قانون‌گرایی، الگویی که با فرض وطن‌دوستی و مقابله با استیلای خارجی، افکار و گرایشات متفاوت، اقوام و مذاهب و اقلیت‌های گوناگون ایرانی، زیر چتر آن و در فضای مردم‌سالارانه، امکان مشارکت در رشد و تعالی ایران را خواهند یافت. مصدق سیاستمداری اخلاقی‌مدار و به معنای واقعی کلمه دموکرات بود. او به ضرورت‌های حکومت مشروطه و به تحدید قدرت سلطنت معتقد و پایبند بود.

او اولین سیاستمدار ایرانی است که اعلام کرد: «در جراید آنچه راجعه به شخص اینجاچه نگاشته می‌شود، هرچه نوشته شده است، هرکه نوشته باشد به هیچ‌وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرارگیرد.»

ماندلا بزرگ و سن‌دونی است و نوشتن و گفتن از او همواره درس‌آموز، اما ماندلا را باید پیرو گاندی و مصدق دانست اما مصدق، حتی پیرو گاندی نبود. در درستی و عظمت راه گاندی تردیدی نیست، اما نباید فراموش کنیم که قبل از گاندی، مصدق مصدق بود. مساله مصدق پیشرفت، دموکراسی و آزادی و حاکمیت قانون بود. ماندلا با مصدق، فاصله‌ای زیاد دارد. چه از نظر طرح مضامین و مفهوم‌سازی‌های مصدق در حاکمیت استبدادزده و جامعه هیچان‌زده ایرانی به چه از نظر تقدم زمانی. که گفته‌اند: «الفضل لمقتدم». اینکه بیش از ۶۰سال قبل و در جامعه استبدادزده ایران نخست‌وزیرش بگویند، «اگر کسی به من توهین کرد، مجاز به برخورد با او نیستید»، حرف کوچکی نیست. جغرافیای کلام و زمان گفت حقیقت، مهم و قابل‌توجه است.

امروزه به برکت اینترنت و عصر ارتباطات و امواج معجزه‌گر آن، نشر افکار در جهان سرعت یافته و فراگیر شده و صدای هرکسی حتی تک و تنها شنیده می‌شود و رسانه از انحصار دولت‌ها خارج شده است. اما زمان مصدق، حاکمیت بر رسانه تا حد زیادی در انحصار قدرت‌های سلطه‌گر شرق و غرب بود. افزون بر آن، با به بن‌بست رسیدن نظام‌های تک‌گویانه و فروپاشی بلوک شرق و پایان عصر انقلاب‌های ستیزه‌جویانه و مسلحانه و رواج و همگانی‌شدن گفت‌مان مدارا و تساهل و نفی خشونت‌ سخن از صلح و مدارا آسان شده است. مصدق در گفت‌وگو ماندلا و با مقاومتی کم‌نظیر، همیشه روشی اصلاح‌طلبانه و مداراجویانه داشته است.

مصدق پیشرفت و آزادی مردم ایران را در نفی سلطه خارجی و استبداد داخلی می‌دانست. در مدل دموکراسی مصدق، همه‌جا دارند؛ از نظر او شرط دست‌یابی به پیشرفت، آزادی و استقلال است. برای رسیدن به این هدف، پس از وطن‌دوستی و حفظ منافع ایران، باید با هر عقیده و مسلک و آیینی که داریم در یک صف قرار گیریم و جنبش نوینی را آغاز کنیم. برشت نمایشنامه «زندگی گالیله» هنگامی که آندره آ، شاگرد سقراط می‌گوید، «بدبخت ملتی که قهرمان ندارد» سقراط پاسخ می‌دهد، «بدبخت ملتی که به قهرمان نیاز دارد». از مصدق نباید بت، قدس یا قهرمانی غیرقابل نقد ساخت. واقعیت‌های گذشته را باید تحلیل کرد، باید تجدیدنظر کرد، مصدق را باید بازخوانی کرد، او را دوباره باید شناخت. جایگاه همگان محفوظ، اما چه کسی می‌تواند مصدق را نبیند و به تأثیر در دادگاه لاهه و در هنگام آغاز جلسه،

مصدق به عمد بر صندلی نماینده انگلیس نشست. رئیس دادگاه گفت: شما جای نماینده انگلیس نشستید، جای شما آنجاست. مصدق که تاکنون ساکت بود به صدا در آمد و گفت: «شما فکر می‌کنید نمی‌دانم صندلی ما کجاست و صندلی نماینده هیات انگلیس کدام است؟» نه جناب ربیب، خوب می‌دانیم جایمان کجاست. اما علت اینکه چند دقیقه روی صندلی دوستان نشستم به خاطر این بود که دوستان بدانند برجای دیگران نشستن یعنی چه؟ سال‌های سال است دولت انگلیس در سرزمین ما خیمه زده و کم‌کم یادشان رفته که جایشان اینجا نیست و ایران سرزمین آبا و اجدادی ماست». صندلی دکترمحمد مصدق به ییاد او، تاکنون با احترام نگهداری می‌شود.